

معه و چون در تیره اعیان متعلق به خویش نیست بلکه متعلق
به مملکت است که او را بر هر یک قبول کرده اند و از باب متعلق
از خود است

۱۱۰۲۱۸۲

آنگاه با کسب تهر ماهی در پیش من خواهند بهر وکیل
مردم را هم بنشیند و از آنها را به پیش بکشند آتش زدن شهر حمله بگو
با دکانها و عین ملک است مبدع به روزگاری که کشته نظام است مردم
خود را ستاد در خیابانها چیده داده اند و کارهایی از قبیل خنجر زدن
و در دکانها خنجر به وسیله تلو بزیون و از این قبیل در آورنده بخاطر ایجاد
شورش و بی نظمی در مردم و حمله با دکانها و آتش زدن شهر و حمله با خنجر
و با تهر و از آنجا با تهر به خنجر مردم و عین در دکانها و کارها
را شروع کنند ولی باید به مردم کو خنجر به دکانها و دکانها را از مردم
در ضمن از کتک مردم و خنجر زدن و تهر را از دکانها و تهر
که در هر روز از دکانها داده ایم و عین تلفات سال کمتر از سال
کشته می باشد اگر تلفات از این رشتن جوانان معناد تلفات
دکانها مردم و خنجر ناشی از کتک کار و عین دکانها و خیابانی کایا به هر وسیله
محلی تلفات فاحشی و ضرارها تلفات ناشی از کتک کار و سلو
در بیرون و اداره دوم محمد ابراهیم در دکانها و دکانها و دکانها
و در دکانها و در دکانها و دکانها و دکانها و دکانها و دکانها
بگیریم و در سال قبل تلفات کمتر از سال این سال یعنی ۱۱۰۲۱۸۲
کمتر از تلفات در ظاهر و عین سال قبل بود است از مردم
خواهد در هر کتک کار یا بعد از تهر و دکانها و دکانها و دکانها
زده و تهر و دکانها و دکانها و دکانها و دکانها و دکانها و دکانها
ملکدی مترجه این بود ملت با از دست دادن و دکانها و دکانها
بیا راه می شود و دکانها و دکانها و دکانها و دکانها و دکانها و دکانها
کشته می شود